

**Strategic Management Model of Policing After Natural Disasters
(with an emphasis on floods)**

Amir Rezaei¹, Nozar Amin Saremi²

Abstract

Background and aim: The occurrence of natural disasters poses a significant challenge to the police in maintaining order and security. Once the missions of emergency organizations and responsible institutions in rescue operations are completed, the police's efforts should focus on taking actions that facilitate the normalization of the affected areas. Therefore, this research aims to answer the question of how the strategic management pattern of law enforcement after natural disasters (with an emphasis on floods) is implemented by the police, while achieving the components and indicators of post-flood crisis management.

Method: This research is primarily practical in terms of its objective and orientation. The study population consists of experts, managers, and crisis management specialists in the Law Enforcement Command of the Islamic Republic of Iran and the National Crisis Management Organization. Purposive judgmental sampling was used to select the sample, and semi-structured interviews were employed to collect the data. In this method, after conducting fifteen interviews, the main and sub factors were repeated in the interviews until saturation was reached. The collected qualitative data were analyzed using thematic analysis.

Results: The main and sub codes obtained from the interviews with experts indicate that a total of 49 indicators were derived from the extracted data through the synthesis of interviews. Ultimately, these indicators were identified and classified into 9 components and 3 principles (final investigation, recovery, and post-event actions) for post-flood law enforcement management.

Conclusion: Implementing the designed pattern in three dimensions of "recovery, final investigation, and post-event actions" in flood-related incidents leads to the establishment of order and security, which forms the basis for the continued activities of responsible organizations in crisis management. The police can emerge as an influential organization with a vital and effective role in post-disaster management.

Keywords: model, strategic model, crisis, law enforcement management, natural disasters.

1 Assistant Professor, Department of law enforcement, Amin Police University, Tehran, Iran. (Responsible author). Email: amyrr8257@gmail.com

2 Associate Professor, Department of Social Sciences, Amin Police University, Tehran, Iran. Email: Naminsaremi@gmail.com

الگوی راهبردی مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران‌های ناشی از مخاطرات طبیعی (با تأکید بر سیل)

امیر رضایی^۱، نوذر امین صارمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: وقوع بحران‌های طبیعی یکی از چالش‌های اساسی پلیس برای استقرار نظم و امنیت است. با خاتمه یافتن مأموریت سازمان‌ها و نهادهای متولی در بحث امداد و نجات، تلاش پلیس می‌بایست معطوف به انجام اقداماتی باشد که زمینه عادی‌سازی وضعیت حاکم بر مناطق حادثه‌دیده را فراهم نماید؛ بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد تا ضمن دستیابی به مؤلفه و شاخص‌های مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران سیل، به این پرسش پاسخ دهد که الگوی راهبردی مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران‌های ناشی از مخاطرات طبیعی (با تأکید بر سیل) توسط پلیس چگونه است؟

روش: این پژوهش از نظر هدف و جهت‌گیری کلی، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان، مدیران و کارشناسان حوزه مدیریت بحران در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت بحران کشور می‌باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در این روش، بعد از انجام پانزده مصاحبه، عوامل اصلی و فرعی در مصاحبه‌ها تکرار می‌شد و پژوهشگر به اشباع رسید. داده‌های کیفی لازم، جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: کدهای فرعی و اصلی حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان، بیانگر این است که در مجموع ۴۹ شاخص بر اساس داده‌های استخراج‌شده از جمع‌بندی مصاحبه‌ها به‌دست آمد، و در نهایت در قالب ۹ مؤلفه و ۳ مقوله (پی‌جویی نهایی، بازیابی و اقدامات پس از رویداد) مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران سیل، شناسایی و طبقه‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: پیاده‌سازی الگوی طراحی شده در سه بُعد «بازیابی، پی‌جویی نهایی و اقدامات پس از رویداد» در حوادث ناشی از بحران سیل موجب استقرار نظم و امنیت می‌شود؛ که زمینه‌ساز ادامه فعالیت‌های سازمان‌های متولی در مدیریت بحران است. پلیس می‌تواند به‌عنوان سازمانی تأثیرگذار با نقشی مهم و اثربخش در مدیریت بعد از وقوع بلا یا ظاهر شود.

کلیدواژه‌ها: الگو، الگوی راهبردی، بحران، مدیریت انتظامی، بحران‌های طبیعی.

استناد: رضایی، امیر؛ امین صارمی، نوذر. (۱۴۰۲). الگوی راهبردی مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران‌های ناشی

از مخاطرات طبیعی (با تأکید بر سیل)، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی ۱۸ (۲)، صص ۷۴-۴۷

<https://doi.org/10.22034/pmsq.2023.1273154.1617>

۱. استادیار گروه خدمات انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

amyrr8257@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: Naminsaremi@gmail.com

مقدمه

بلایای طبیعی یکی از چالش‌های اصلی کشورها محسوب می‌شوند که علاوه بر آسیب‌های جدی اقتصادی، موجب مرگ‌ومیر افراد شده و دستاوردهای توسعه را خنثی می‌کند. در دهه‌های اخیر، بلایای طبیعی و آثار آن‌ها در تمام جهان سیر صعودی داشته است. در ایران نیز به دلیل تنوع و تعداد حوادث طبیعی یکی از کشورهای بلاخیز جهان بوده است؛ به گونه‌ای که از ۴۰ حادثه طبیعی ثبت شده در جهان، ۳۱ نوع آن در ایران به ثبت رسیده است، همین مسئله موجب شده است که ایران یکی از ده کشور حادثه‌خیز جهان قلمداد شود و حدود ۶ درصد از مجموع تلفات ناشی از حوادث فوق در جهان را به خود اختصاص دهد (دارابی، ۱۳۹۰، ۷).

مطابق آمار سازمان ملل در میان مخاطرات طبیعی، سیل و طوفان‌ها بیشترین تلفات و خسارات را به جوامع بشری وارد آورده است؛ به گونه‌ای که تنها در یک دهه میزان خسارت ناشی از سیل و طوفان‌ها بالغ بر بیست و یک میلیارد دلار در مقابل ۱۸ میلیارد دلار خسارات ناشی از زلزله بوده است. (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳). براساس آمار سازمان ملل متحد، در مدت ۲۵ سال در جهان ۱۳۵۸ سیل مهم رخ داده است که ۱۳/۵٪ از کل حوادث دنیا را در بر گرفته و آسیب‌دیدگان از سیل بالغ بر ۱/۵۶ میلیارد نفر بوده است (ابهری، ۱۳۹۱، ۱۱).

یکی از مهم‌ترین بلایای طبیعی که کشور ایران را با چالش مواجه می‌نماید، سیل و سیلاب‌های ناشی از بارش باران و طغیان رودخانه‌ها است. در نیمه اول سال نودونه، ۳۴۵ مورد سیل رخ داد. در این دوره، استان‌های خراسان رضوی با ۵۶ مورد، کهگیلویه و بویراحمد با ۲۶ مورد و اردبیل با ۲۴ مورد بیشترین آمار وقوع سیل را داشته، و استان‌های ایلام، تهران و مرکزی بدون سیل و آبگرفتگی، کمترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند و در بیست‌وهشت استان کشور از یک تا پنجاه‌وشش مورد سیل و آب‌گرفتگی معابر اتفاق افتاده است. این در حالی است که در شش ماهه اول سال نودوهشت، در سی و یک استان کشور در مجموع ۴۹۱ مورد سیل و آب‌گرفتگی معابر اتفاق افتاده که در این میان، خراسان شمالی و سیستان بلوچستان با ۵۲ مورد بیشترین آمار وقوع سیل و

بوشهر و گیلان با یک مورد کمترین آمار را داشته‌اند (آمار حوادث وزارت کشور، ۱۳۹۹، ۲).

در پی وقوع سیل در استان‌های شمالی کشور و بالا بودن حجم خسارت، امام‌خانه‌ای (مدظله‌العالی) فرمانی را برای کمک نیروهای مسلح به سیل‌زدگان در سوم فروردین ماه نود و هشت صادر فرمودند: «سردار سرلشکر باقری رئیس محترم ستاد کل نیروهای مسلح: برابر اطلاع؛ سیل‌زدگان دو استان شمالی نیاز مبرم به کمک و امکانات نیروهای مسلح دارند. دستور فرمایید علاوه بر آنچه تاکنون در آن مناطق به کار گرفته شده است. امکانات بیشتری برای امداد به آن مناطق گسیل نمایید، گزارش اقدام را بفرستید (امام‌خانه‌ای، ۱۳۹۸).

بر اساس تجارب گذشته، بحران سیل می‌تواند آثار و پیامدهایی بدین شرح بر مأموریت‌های پلیسی داشته باشد: تخریب روش جاری ایجاد امنیت در منطقه، عدم ارتباط و هماهنگی و گسستگی بین واحدها و رده‌ها در منطقه بحران‌زده، عدم پشتیبانی واحدها بر اثر تخریب و آسیب‌های صورت گرفته از بحران، انسداد راه‌های مواصلاتی بر اثر تخریب و جابجایی احجام خاک و آوار، عدم کنترل دقیق محل بحران و افزایش جرائم به ویژه سرقت، هجوم افراد سودجو و سارقان برای رسیدن به امیال خود به محل بحران، کاهش توانایی نیروهای موجود در جهت ایفای نقش، ایجاد امنیت و انجام وظیفه ذاتی، تخریب کلانتری و پاسگاه‌ها و سرقت احتمالی اسناد، نابسامانی در تفکیک وظایف و مأموریت‌های ذاتی و مواردی از این نوع. بنابراین، مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی از منظر پلیس از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. توجه به این نکته ضروری است که چه بسا یک بحران طبیعی در صورت بی‌توجهی و عدم مدیریت به بحرانی انتظامی و حتی امنیتی تبدیل شود. بنابر مطالب یادشده و امعان نظر به ارتباط تنگاتنگ مسئله مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی با نظم و امنیت که جزو وظایف اصلی پلیس است و از طرفی نبود الگوی مناسب جهت مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی به خصوص در بعد از وقوع که می‌بایست بازگشت به حالت عادی را تسریع و تسهیل نماید، هدف اصلی این پژوهش، طراحی الگوی راهبردی مدیریت انتظامی بعد از

وقوع بحران سیل می‌باشد و سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: الگوی راهبردی مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران سیل توسط پلیس چگونه است؟

پیشینه و مبانی نظری

در بررسی انجام‌شده پژوهش و مطالعه‌ای که عیناً با موضوع تحقیق مطابقت داشته باشد، مشاهده نشد؛ ولی تعدادی پژوهش مرتبط با موضوع یافت شد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

سیفی و کاظمیان (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «واکاوی پدیدارشناسانه نقش پلیس زن در مدیریت بحران طبیعی مبتنی بر تجارب زیسته کارکنان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که توانمندسازی روانی زنان پلیس شامل سه عملکرد انطباقی، ارتباطی و حمایتی است و نقش امنیت اجتماعی در بحران شامل نقش‌های ساماندهی، مداخله در بسترهای ناایمن و شیوه‌های رفع بحران بود. همچنین از نقش‌ها، هم‌افزایی در تعاملات امنیت‌بخش، نقش روشنگری افکار عمومی و نقش مشارکتی به دست آمد، و در نهایت اشباع‌سازی خلأهای نقشی نیز بر دو محور نقش‌پذیری بر مدار نظام اعتقادی جامعه و نظام سرشتی زن حاصل شد. در نتیجه، نقش زنان پلیس در مدیریت بحران، محوری می‌باشد، و نیز بیانگر آن است که جامعه به دلیل ملاحظات فرهنگی - اسلامی به حضور پلیس زن در مداخلات انتظامی نیاز دارد.

بیات و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله»، با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انجام دادند. این پژوهشگران در مدیریت پیش از بحران پنج بُعد شامل «تدابیر فرماندهی، آموزش و توانمندسازی کارکنان، اقدامات لجستیکی و پدافندی، بسترسازی تعامل درون و برون‌سازمانی»، «حین بحران شش بُعد شامل «فرماندهی بحران، آماده‌باش و اعزام نیرو و تجهیزات، مدیریت ترافیک، کنترل و مقابله با جرم و بی‌نظمی، رسیدگی کارکنان آسیب‌دیده از زلزله، اقدامات حفاظتی - تأمینی»، پس از بحران چهار بُعد شامل «عادی‌سازی شرایط بحرانی، اقدامات کنترلی و نظارتی، ترمیم و بازسازی، تجزیه و تحلیل راهبردی» شناسایی کردند.

فرجی‌راد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «هوشمندسازی مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (زلزله) در شهر تهران» به این نتیجه دست یافتند که دلیل استفاده محدود از روش‌های هوشمند در مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (زلزله) را می‌توان در نداشتن الگوی مناسب دانست و مؤلفه‌های اساسی الگوی هوشمند انتظامی را یکپارچگی مدیریتی، اطلاعاتی، لجستیکی و عملیاتی در نظر گرفت.

احدی و منوچهری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «سنجش وضعیت و تحلیل عوامل مؤثر بر مطلوبیت مدیریت بحران مخاطرات طبیعی در شهرستان قائنات» نشان دادند که مدیریت بحران شهرستان قائنات با مقدار نامناسب میانگین محاسبه شده برابر با ۲,۶۷، وضعیت رضایت بخشی ندارد. علل شکل‌گیری این وضعیت در قالب چهار عامل اصلی ضعف در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت مدیریت بحران شهرستان، نارسایی‌های اجتماعی، ضعف در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری و ضعف در آموزش و مهارت‌های عملی، مبتنی بر ۳۲ شاخص خلاصه می‌شود. همچنین مدیریت بحران مخاطرات محیطی در منطقه مبتنی بر رویکرد سنتی (انفعالی، واکنش، تخصص‌گرایانه، مشارکتی نبودن، تأکید بر امدادسانی و بازیابی) است.

کمالی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «مطالعه آمادگی و واکنش پلیس در مدیریت بحران‌های طبیعی در ایران، ژاپن، هند و ترکیه» انجام داد. یافته‌های پژوهش بیانگر تفاوت شیوه سازمان‌دهی وظایف پلیس در مدیریت بحران‌های طبیعی در کشورهای مورد مطالعه است. این در حالی است که پلیس در دو کشور هند و ژاپن، نقش محوری در مدیریت بحران دارد و وظایف گسترده‌تری را بر عهده دارد.

هوئل و مهوس^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «پاشنه آشیل مدیریت بحران در پلیس نروژ» با توجه به پرونده پلیس نروژ، نحوه بررسی تغییر ساختار در پاسخ به بحران را بررسی کرده‌اند. نویسندگان در تجزیه و تحلیل به چهار یافته رسیدند: اول، فعالیت‌ها در اتاق کنترل هم‌زمان با سازمان‌دهی مجدد سازمان بحران افزایش می‌یابد؛ دوم، تغییر

منجر به عدم قطعیت بین مدیران بحران از نظر نقش و مسئولیت می‌شود که می‌تواند مانع مدیریت بحران شود؛ سوم، عوامل انسانی بر جریان اطلاعات بین مدیران تأثیر می‌گذارد؛ و چهارم، اپراتورهای اتاق کنترل خود را خارجی‌های مدیریت بحران می‌دانند.

نیکوانو، ویتورث و بیللی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی وضعیت فعلی مدل‌سازی سیل برای مدیریت ریسک سیل شهری در کشورهای در حال توسعه» که بخشی از یک برنامه تحقیقاتی بود که به ارزیابی و مدل‌سازی خطرات سیل در مناطق فقیرنشین شهری نیجریه می‌پرداخت، تحقیقات در زمینه تکنیک‌های فعلی مدل‌سازی سیل را مرور و بیان کردند که مدل‌های موجود صرف نظر از میزان فضایی، پیچیدگی و ابعاد، دارای نقاط قوت و ضعف و محدودیت هستند و یک جدول جامع از رویکردهای مختلف را در کنار نقاط ضعف و قوت مدل‌های مختلف را ارائه دادند.

توکاکیس^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت بحران در مدیریت دولتی؛ مدل سه مرحله‌ای برای حوادث ایمنی»، هدف از پژوهش را بررسی عوامل مؤثر در مدیریت بحران در مدیریت دولتی برای حوادث ایمنی در سه مرحله قبل از بحران، بعد از بحران و پس از بحران بیان نمودند. نتایج نشان می‌دهد که توانایی رهبر و اعضای تیم مدیریت بحران برای تصمیم‌گیری درست، ارتباطات داخلی و خارجی و نوع موقعیت بحرانی، پیش‌بینی‌کننده‌های مراحل سه‌گانه ذکر شده مدیریت بحران در مدیریت دولتی است. موارد مرتبط با مدیریت عبارت‌اند از: نیاز به اجرای تغییرات فرهنگی و ساختاری، توسعه توانایی رهبر تیم مدیریت بحران برای تصمیم‌گیری در شرایط اضطراری، تغییر کانال‌های ارتباطی رسمی داخلی و طراحی مجدد راهبردهای ارتباطی خارجی به منظور مدیریت مؤثر حوادث ایمنی امروزی در محیطی پویا و غیرقابل پیش‌بینی.

1. Nkwunonwo, uc, Whitworth. M and Baily,B.

2. Tokakis,

آدم دجیمساه^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی و تعیین اهداف و تأثیر عوامل مدیریت بحران سیل بر ایجاد خروجی سیستم‌های هشدار در وضعیت سیل غنا (تجزیه و تحلیل سیلاب شمال سال ۲۰۰۷) پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده کارایی مدل پیشنهادی در ایجاد خروجی سیستم هشدار است.

کای و نینا^۲ (۲۰۱۸) به منظور تعریف تاب‌آوری در برابر بحران‌ها، تدوین شاخص‌ها و متغیرهای اندازه‌گیری و راهبردهای سازگاری با پدیده‌های طبیعی، با روش تحلیل محتوا، ۱۴۷ مقاله را در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ بررسی کردند. مهم‌ترین و پرکاربردترین راهبردهای پیشنهادی مقالات، توانمندسازی رهبران و مدیران محلی، افزایش آگاهی و آموزش‌های اجتماعی، بهبود زیرساخت‌ها و ارتباطی است که در قالب مدیریت بحران کارا و مؤثر جای می‌گیرند.

چانگ^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی به مقایسه مدیریت بحران و کنترل سیل در کره جنوبی و آمریکا پرداخته است. هدف این پژوهش، تحلیل تضاد و اختلاف بین بازیگران فرایند مدیریت بحران است؛ توصیه‌های سیاسی برای بهبود نظام مدیریت بحران عرضه می‌کند؛ نمونه‌ای از تضاد را تشریح می‌کند و تفاوت و شباهت دو کشور منتخب را در این زمینه بررسی می‌کند. تفاوت دو کشور در زمینه طیف بازیگران، ویژگی‌های فرهنگی و اقدامات مدیریتی و سازمان‌های دولتی است اما انگیزه و رفتار بازیگران در دوره بحران در هر دو کشور شبیه به هم است. چانگ براساس مقایسه، راهکارهای مهم و مشترکی را برای موفقیت مدیریت بحران ارائه می‌دهد (چانگ، ۲۰۱۶، ۵۵۴).

چون و کیم^۴ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با موضوع «بهبود سیستم‌های مدیریت پلیسی بحران‌های طبیعی» به منظور ارزیابی نحوه پاسخگویی سیستم‌های فوریتی و از جمله پلیس در واکنش به بلایای طبیعی و پیشگیری از حوادث آن، موضوع امنیت و تأمین زیرساخت‌های ایمنی را بررسی کردند. ۷۵ درصد از جامعه آماری محقق اعلام داشتند

-
1. Edem Djimesah
 2. Cai Heng, Nina Lam
 3. Chung
 4. Chun, Kim

که فرایند سیستم رسیدگی به بلایای طبیعی در شهر سئول قابل انتقاد است و پیشنهاد کرده‌اند که برای پیشگیری از حوادث و جرائم مربوط به بلایای طبیعی لازم است در ابتدا مهارت‌های مدیران بحران تعریف شود، به موازات تقویت مهارت‌های مدیریت بحران در پلیس، باید تجهیزات زیرساختی آن نیز برای پلیس مهیا گردد و در گام اول اقدامات پیشگیرانه، الگوی کنونی پلیس سئول که مبتنی بر جریان انضباط ترافیکی است بایستی به سمت ایمنی ترافیک تغییر جهت دهد و برای تردد آسان و جلوگیری از حوادث و سوانح خودرویی بعد از بحران اماکن غیرمجاز و مزاحم جمع‌آوری شوند (مسیر باز شود). ۷۲ درصد از افسران پلیس بیان کرده‌اند که مدیریت ایمنی‌بخشی حوادث ربطی به شرح وظایف پلیس ندارد؛ آن‌ها گفتند که پلیس فاقد سازوکار دسترسی به سیستم‌های هشداردهنده مدیریت بحران است، وضعیت آموزش مربوط به ایمنی در شرایط مخاطرات بلایای طبیعی می‌بایست تقویت شود و شبکه‌های دولتی و خصوصی در تعامل با یکدیگر قرار گیرند و از منابع یکدیگر برای پاسخگویی بهتر به بلایای طبیعی استفاده کنند.

جمع‌بندی و نقاط افتراق و اشتراک تحقیقات پیشین با تحقیق حاضر: بررسی تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد که نیروهای مسلح به‌ویژه نیروی انتظامی نقش بسیار عمده‌ای در مدیریت بحران‌های طبیعی می‌توانند ایفا نمایند و از ظرفیت بالایی در جهت انجام اقدامات قبل، بعد از و پس از بحران‌های طبیعی برخوردارند. از طرفی در زمینه موضوعات مرتبط با عنوان پژوهش حاضر، تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ لیکن هیچ یک از تحقیقات نتوانسته است به بحث اصلی این پژوهش در طراحی الگوی راهبردی مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران سیل پردازد؛ بنابراین، این پژوهش با توجه به حدود و ثغور تعریف شده در آن یک موضوع اکتشافی بوده و تاکنون در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته یا دست کم محقق در بررسی‌های خود به مورد مشخصی در این زمینه برخورد نکرده است.

الگو: الگو در لغت به معنای مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، مثال و نمونه بوده و در اصطلاح عبارت است از: بیان یک یا چند واقعیت مرتبط به هم توسط نمادهای مختلف

گفتاری، نوشتاری، ترسیمی، فیزیکی و مانند این‌ها. برای بیان و ارائه الگو به تناسب نوع کاربرد آن، از نمادهای مختلف استفاده می‌شود (نوری و همکاران، ۱۳۹۰، ۹۹). به عبارت دیگر به کمک الگو می‌توان متغیرهای موجود و رابطه بین آن‌ها را به خوبی شناخت. اصولاً «الگو به دنبال کشف رابطه است» (دلاور، ۱۳۸۶، ۱۹).

الگوی راهبردی: مدل منسجمی است که با تنظیم منطقی عوامل و مؤلفه‌های اصلی راهبردی، روابط بین آن‌ها را به بهترین شکل ممکن ترسیم نموده و چگونگی دستیابی به اهداف را میسر می‌سازد (مطالعات گروهی الگوی راهبردی پیشرفت اسلامی ایرانی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۹، ۱۴).

بحران: رویدادی است که به طور طبیعی یا به وسیله بشر، به طور ناگهانی یا به صورت فزاینده به وجود آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، اساسی و فوق‌العاده می‌باشد. بحران فرایندی است که در نتیجه برخی عوامل طبیعی و غیرطبیعی شامل زلزله، آتش‌فشان، زمین‌لغزش، طوفان، آتش‌سوزی‌های مهیب، نشت گاز، ناکارآمدی‌های فناوری، هجوم حملات احتمالی یا واقعی یا چیزی شبیه جنگ، ناکارآمدی یا عدم کاربری‌های خدمات اورژانس پزشکی، بیماری‌های واگیر و... رخ می‌دهد که سبب به خطر افتادن جان انسان‌ها یا آسیب‌پذیری، بیماری، فاجعه یا به خطر افتادن امنیت جوامع یا اموال ملی و مردمی شده و فقط از طریق سرویس‌های مربوط به بحران نمی‌تواند رسیدگی شود و نیازمند به یک پاسخگویی جدی با هماهنگی از طرف سایر ارگان‌هایی که در این زمینه همکاری نمایند (سواد کوهی فر و ذکائی فاتح، ۱۳۹۲).

به عبارت دیگر به وضعیتی که به یک مرحله یا انقلاب و آشفتگی و تغییر حالت در بیمار یا اوضاع و احوال مملکت پدید آمده باشد و یا به یک لحظه تعیین‌کننده، مقطع حیاتی و نقطه برگشتی برای بهتر یا بدتر شدن وضعیت نیز اطلاق می‌شود (سازمان امداد و نجات هلال‌احمر، ۱۳۸۲، ۵). بحران می‌تواند ناشی از برخی وقایع غیرقابل پیش‌بینی یا

غیرمنتظره باشد که در قالب ریسک و خطری بالقوه مدنظر قرار می‌گیرد (پیر^۱، ۲۰۱۵، ۳). بحران: ازهم گسیختگی جدی عملکرد یک جامعه که ناشی از وقوع مخاطره است و منجر به خسارات و اثرات منفی گسترده انسانی، اقتصادی یا زیست‌محیطی می‌شود، به طوری که مواجهه با آن فراتر از توانایی جامعه متأثر و دستگاه‌های مسئول موضوع ماده (۲) این قانون است. (قانون مدیریت بحران کشور، ۱۳۹۸، ۲). شرایطی که در آن با غافلگیری، کمبود اطلاعات و محدودیت زمان برای تصمیم‌گیری مواجه هستیم و در این شرایط منافع حساس و حیاتی در خطر قرار گرفته است. (گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی، ۱۳۹۱، ۱۸).

مدیریت انتظامی: عبارت است از انجام سلسله فعالیت‌هایی برای نیل به اهداف سازمان پلیس با استفاده بهینه از منابع ورودی که عبارت‌اند از: نیروی انسانی، سرمایه، فناوری و مواد اولیه و اطلاعات از طریق انجام چهار وظیفه مهم مدیریتی یعنی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، رهبری و نظارت و کنترل (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۳۲). به عبارت دیگر، فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی از طریق ساماندهی، سازمان‌دهی، هماهنگی، رهبری و نظارت و کنترل فعالیت‌های انتظامی، جهت تحقق اهداف امنیت داخلی کشور که همان حفظ نظم و امنیت عمومی و اجتماعی است. (گودرزی و جهانگیری، ۱۳۹۳، ۹۶).

بحران‌های طبیعی: حادثه‌ای را گویند که به‌طور طبیعی به‌وجود آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل نماید و جهت برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده باشد (دفتر تحقیقات کاربردی فراجا، ۱۳۸۶، ۱۰۷). حوادث و سوانحی هستند که بر اثر بی‌نظمی غیرعادی چهار عنصر زمین، هوا، آتش و آب به‌وجود می‌آیند. حوادث و سوانحی مثل زمین‌لرزه، طوفان، - گردباد، سیل، آتش‌سوزی جنگل‌ها، صاعقه و رانش زمین از این دسته هستند. (ربیعی، ۱۳۹۲، ۲۹).

مدیریت بحران: مدیریت بحران در واقع به مجموعه‌ای از مهارت‌ها یا فرایندهای تحقیقی گفته می‌شود که در هنگام وقوع مخاطرات غیرمتعارف یا وضعیت مشکل به کار گرفته می‌شوند (پای لوسین^۱، ۱۳۸۰، ۷۸). به عبارت دیگر، مدیریت بحران به مجموعه طرح‌ها و روش‌های پیشرفته و خاصی گفته می‌شود که جهت پیشگیری و مهار بحران مورد استفاده قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۷، ۳۲). مدیریت بحران به‌عنوان فرایندی نظام‌یافته تعریف می‌شود که طی این فرایند سازمان تلاش می‌کند بحران‌های بالقوه را شناسایی و پیش‌بینی کند سپس در مقابل آن‌ها اقدامات پیشگیرانه انجام دهد تا اثر آن را به حداقل برساند (دیوید^۲، ۲۰۱۶، ۲۳). مدیریت بحران: نظام حاکم بر راهبردها، رویکردها، برنامه‌ها و اقداماتی است که با هدف پیش‌بینی، پیشگیری و کاهش خطر، آمادگی و پاسخ کارآمد و بازتوانی و بازسازی پس از وقوع حوادث و سوانح، به‌صورت چرخه‌ای صورت می‌گیرد. (قانون مدیریت بحران کشور، ۱۳۹۸، ۲).

سبوری در ادبیات مدیریت بحران نشانگر این است که درزمینه مقوله بحران، سه دیدگاه متمایز وجود دارد:

الف) دیدگاه سنتی: این دیدگاه بحران را اساساً یک پدیده و وضعیت منفی و نامطلوب می‌داند که به هر نحوی باید از آن پرهیز کرد. براساس این نگرش، بحران‌ها دارای ماهیتی کاملاً مخرب و بازدارنده‌اند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷). تحقیقات مایرز و هولوشا^۳ نشان داد که اکثر مدیران ارشد علاقه‌ای به فکر کردن درباره بحران ندارند (مایرز و هولوشا، ۱۹۸۸).

ب) دیدگاه قانون طبیعی: طرفداران این دیدگاه، بحران را جزئی از طبیعت زندگی بشری می‌دانند که چه بخواهیم و چه نخواهیم رخ می‌دهد، اما نگرش این دسته نیز همچنان یک نگرش منفی نسبت به بحران است با این تفاوت که برخلاف دیدگاه اول، سعی در انکار و اجتناب از بحران ندارند، بلکه نسبت به آن موضعی کاملاً منطقی برمی‌گزینند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷).

1. Lucian W. paye

2. David

3. Meyers and Holusha

ج) دیدگاه تعاملی: این دیدگاه، نگاهی کاملاً متفاوت نسبت به مقوله بحران دارد و برخلاف دیدگاه‌های قبل، به بحران به دید مثبت می‌نگرد و معتقد است نه تنها نباید آن را نفی یا انکار کرد، بلکه در مواقعی نیز بایستی به استقبال آن رفت. برخلاف دیدگاه اول که دیدگاه سکون و ثبات است، دیدگاه دوم دیدگاه مقابله و واکنش است. دیدگاه تعاملی، دیدگاهی پویایی، تغییر و تحرک اجتماعی است و بر همین اساس بحران‌ها را بخشی از دیالکتیک اجتماعی که برای رشد و توسعه جامعه لازم و ضروری هستند (جیری^۱، ۲۰۰۱). به‌مرحاله دیدگاه تعاملی، دیدگاهی کاملاً مثبت به بحران است و بحران را صحنه تعامل میان عناصر و عوامل مختلفی می‌داند که نتیجه کلی در جهت نوعی نظم و تعادل و پویایی حرکت می‌کند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷).

در جدول (۱) به ساختارها و الگوهای رایج مدیریت بحران در کشور و جهان پرداخته می‌شود.

جدول ۱. ساختارها و الگوهای رایج مدیریت بحران

نظریه پرداز	اجزای ساختار
مک کانکی ^۲ ، ۱۹۸۷	پیش‌بینی، تدوین برنامه، تأمین نیروی انسانی و اجرای برنامه
لیچات ^۳ ، ۱۹۹۰	انتظار، اعلام خطر، نجات، عادی سازی و توان بخشی
پیرسون و میتروف ^۴ ، ۱۹۹۳	شناسایی علائم، پیشگیری/آمادگی، محدودیت/تهدید آسیب، بازیابی و یادگیری
مایر ^۵ ، ۱۹۹۳	عملیات طبیعی، پاسخ سریع/ پردازش موقتی و ترمیم
ریچاردسون ^۶ ، ۱۹۹۴	مرحله قبل از بحران/فاجعه، مرحله اثر بحران/کاهش، مرحله بازیابی/ازبین رفتن
فینک ^۷ ، ۱۹۹۶	مرحله علائم اولیه، مرحله حاد، مرحله مزمن و مرحله ترمیم
بورنت ^۱ ، ۱۹۹۸	شناسایی (تعیین هدف و تحلیل محیطی)، مقابله (فرموله کردن و ارزیابی

1. Geary
2. Mc Conkey
3. Leechat
4. Pearson and Mitroff
5. Myers
6. Richardson
7. Fink

نظریه پرداز	اجزای ساختار
	راهبرد)، و پیکربندی دوباره (اجرای راهبرد و کنترل راهبرد)
بوین، هارت، استرن و ساندلیوس ^۲ ، ۲۰۰۵	ایجاد احساس، تصمیم‌سازی، هدف‌سازی، خاتمه، آموزش و ایجاد تغییر
کرائوس ^۳ ، ۲۰۰۶	مرحله قبل از رویداد (پیش‌بینی، پیشگیری و آمادگی)، مرحله وقوع رویداد (شناسایی، پاسخ‌بازایی، پی‌جویی و تجسس)، و مرحله اقدامات بعد از رویداد (ترمیم، پی‌جویی و اقدامات مباحث بعد از رویداد)
کرانسل، پارنلوا اسپیلان ^۴ ، ۲۰۰۹	بررسی چشم‌انداز، طرح‌ریزی راهبردی، مدیریت بحران و یادگیری سازمانی
فریدریک کانی، ۱۹۹۸	مرحله قبل از وقوع بحران (تحلیل خطر، تحلیل آسیب‌پذیری، کاهش اثرات مخرب بحران‌ها، پیشگیری، آمادگی، پیش‌بینی و هشدار اولیه، ایجاد سامانه هشدار ملی منطقه‌ای)؛ مرحله حین وقوع بحران (مرحله مقابله و پاسخگویی شامل اعلام عمومی، پاسخ عمومی، تخلیه اضطراری، اسکان اضطراری، جست‌وجو و نجات، امدادسانی، پشتیبانی، ارزیابی، تحلیل ملزومات، تحلیل منابع)؛ مرحله پس از وقوع بحران (مرحله بازایی شامل بازسازی، بازتوانی، بازگشت به وضعیت اولیه، ایجاد فرصت‌های توسعه).
قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، ۱۳۸۷	پیشگیری و کاهش مخاطرات، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی
حسینی و وجدی، ۱۳۸۶	پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله عادی، مقابله ویژه و ترمیم و بازسازی

منابع: (روشندل اربطانی، پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۷، ۲۳)، (پیرسون و میثروف، ۱۹۹۳، ۵۹)، (ونگ و بلاردو^۵، ۲۰۰۵، ۳۴)، (بودریاکس^۶، ۲۰۰۵، ۷۶)، (کرائوس، ۲۰۰۸، ۲۲)، بوین^۷ و همکاران (۲۰۰۵، ۳۸)، (لیجات،

1. Burnett
2. Boin, Hart, Stern and Sundelius
3. Koraeos
4. Crandall and Parnell Spillan
5. Wang and Belardo
6. Boudreaux
7. Boin

۱۹۹۰، ۶۴)، (کراندل^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، ۴۷)، (علم‌داری و مشهدی، ۱۳۹۷، ۴۶)، (مایر، ۱۹۹۳، ۳۸)، ریچاردسون، ۱۹۹۴، ۴۱)، (اسمیت^۲، ۱۹۹۰، ۲۶۳)، (حسینی و وجدی، ۱۳۸۶، ۲۶).

در جدول (۲) به فعالیت‌های مدیریتی در مراحل مختلف چرخه مدیریت بحران پرداخته می‌شود.

جدول ۲. فعالیت‌های مدیریتی در مراحل مختلف چرخه مدیریت بحران

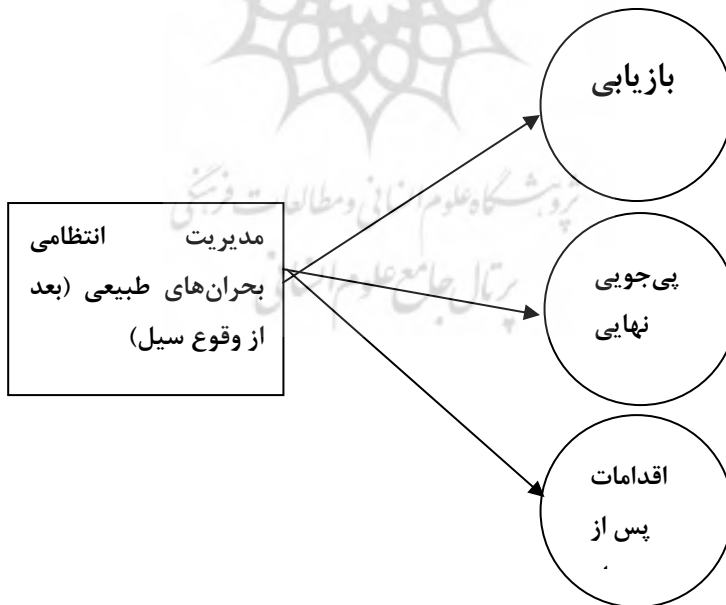
مرحله از بحران	فعالیت‌ها و اقدامات
قبل از بحران	سیاست‌گذاری و قانونمندی، برنامه‌ریزی، تخمین و برآورد ظرفیت خسارت حادثه، تخمین و برآورد خطر، پیشگیری، تعیین آسیب‌پذیری و کاهش اثرات، آمادگی، اطلاع‌رسانی و هشدار، پژوهش و آموزش
شروع بحران	اطلاع‌رسانی و هشدار، ارزیابی مقدماتی ابعاد حادثه، بسیج
بعد از بحران	نجات و جست‌وجو، امدادرسانی، فعال نمودن برنامه مدیریت بحران، فعال-نمودن رسمی برنامه مقابله، جست‌وجو و امداد و نجات، تسهیلات زندگی، تمهیدات پزشکی و مراقبت، بهداشت منطقه و مصدومان و بازماندگان، تخلیه جمعیت از اماکن ناامن به محل‌های امن، استقرار نظم در جامعه، برآورد دقیق فاجعه، اطلاع‌رسانی
پس از بحران	مقاوم‌سازی و برقراری مجدد سرویس‌های ضروری، بازسازی، ایجاد سرپناه و مسکن موقت، تخریب اماکن ناامن و پاکسازی مناطق صدمه‌دیده، بهداشت، استقرار وضعیت عادی، مددکاری، ارزیابی و بازنگری قوانین و برنامه‌های مدیریت بحران، توسعه، پژوهش و آموزش

منبع: (گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی، ۱۳۹۱، ۷۳-۷۴).

مراحل چهارگانه چرخه مدیریت بحران به سه مرحله زیر تقسیم و دسته‌بندی شده است: مرحله قبل از بحران شامل مرحله پیشگیری و آمادگی؛ مرحله بعد از بحران شامل مرحله امداد و نجات؛ مرحله بعد از بحران شامل مرحله بهبود و بازسازی (گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی، ۱۳۹۱، ص ۴۳۲). بنابراین با توجه به رویکردهای نظری فوق، آنچه که می‌تواند در قالب حساسیت نظری این پژوهش به‌عنوان نظریه جهت‌ساز مدنظر قرار گیرد، الگوی مراحل زمانی مدیریت بحران شامل: «قبل»، «حین»، و «پس از

بحران» برگرفته از نظریه ریچاردسون، کرائوس، فریدریک کانی و چرخه مدیریت بحران گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی است که در این پژوهش به مرحله بعد از وقوع بحران سیل پرداخته می‌شود.

مدل مفهومی (جهت‌ساز یا پیشنهاده): درحقیقت هدف از مطالعه «ادبیات و پیشینه تحقیق»، دستیابی به یک مدل مفهومی (جهت‌ساز یا پیشنهاده) است که بتوان برپایه آن متغیرهای عملیاتی موردنظر و روابط میان آنها را مشخص نمود. با انجام بررسی‌های لازم به نظری رسد که تعریف ریچاردسون، کرائوس، فریدریک کانی و چرخه مدیریت بحران گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی، تعاریف نسبتاً جامعی است که ابعاد تعریف شده را پوشش می‌دهد و برای مدیریت بحران سه مرحله (قبل، بعد از و پس از بحران) در نظر گرفته‌اند. پژوهش حاضر به مرحله بعد از وقوع بحران پرداخته است؛ بنابراین، از بین نظریه‌های مطرح شده نظریه‌های پیرسون، میتروف، فریدریک کانی، ریچاردسون و کرائوس به‌عنوان مبنا و حساسیت نظری تحقیق انتخاب، و مدل پیشنهاده یا جهت‌ساز بر اساس این نظریه به شرح شکل (۱) ارائه می‌گردد.



شکل ۱. مدل پیشنهاده یا جهت‌ساز

روش

این پژوهش از نظر هدف و جهت‌گیری کلی، کاربردی است و به جهت گردآوری داده‌ها در زمره پژوهش‌های کیفی - اکتشافی محسوب می‌شود. قلمرو زمانی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان، مدیران و کارشناسان حوزه مدیریت بحران در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت بحران کشور می‌شود. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی استفاده شد که روش غیراحتمالی است. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده، در این روش، بعد از انجام پانزده مصاحبه، عوامل اصلی و فرعی در مصاحبه‌ها تکرار می‌شد و پژوهشگر به اشباع رسید. داده‌های کیفی لازم جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفت.

روایی و پایایی پژوهش: برای اعتبار و روایی پژوهش از روش‌های «رائو و پری» (۲۰۰۳)، از روش اعتبار درونی با استفاده از فنون «تثلیث» (استفاده از منابع تأییدگر)، کسب اطلاعات دقیق مبتنی بر مفروضات تأییدگر، انتخاب نمونه برای پرمایگی اطلاعات، کنترل اعضا و مشارکت کنندگان در مصاحبه، جهان‌بینی و جهت‌گیری‌های نظری محقق بهره گرفته شد. برای پایایی پژوهش نیز از روش‌های «رائو و پری» (۲۰۰۳)، شامل قابلیت بازیافت پذیری، تأییدپذیری، قابلیت تکرارپذیری و با استفاده از فنون هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، ایجاد فرایندهای ساخت‌مند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا، استفاده از نظرات ارزشمند استادان آشنا با این حوزه و متخصصان پلیس که در این حوزه تجربه و مطلع بودند استفاده شد. داده‌های کیفی لازم، جمع‌آوری شد و با استفاده از روش تحلیل تماتیک به‌مثابه تکنیکی پژوهشی، مفاهیم، مقوله‌ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد.

یافته‌ها

در تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی همواره تحلیل مقایسه‌ای نکات کلیدی، ابعاد و شاخص‌ها و فرایند رفت و برگشتی برای اصلاحات احتمالی مدنظر قرار گرفته؛ به طوری که برچسب ابعاد و شاخص‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها در زیرمجموعه شاخص‌ها مکرر بازنگری و تغییر کرد. مبنای برقراری رابطه بین شاخص‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها ارتباط منطقی و علمی بوده است.

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های مرتبط با مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (بعد از وقوع سیل) به تشریح مؤلفه‌ها و شاخص‌ها براساس تجربیات، نگرش‌ها و تخصص‌های خود پرداختند. شاخص‌های شناسایی شده، همان گزاره‌های کلامی هستند که از پاسخ به پرسش‌های به دست آمده و بعد از استخراج همه این گزاره‌های کلامی، برخی دارای اشتراک بودند که براساس ادبیات و مبانی نظری موجود دسته‌بندی شدند و بر طبق آن مفاهیم ثانویه شکل گرفتند.

در ادامه، پاسخ‌های ارائه شده برای هر پرسش در جداولی مجزا از سایر پرسش‌ها تنظیم شده است. در این جداول، بعد، بیانگر محور اساسی پرسش بوده و در قسمت‌های دیگر جدول، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است. آخرین قسمت جدول اشاره به فراوانی هریک از پاسخ‌های ارائه شده دارد، در جداول ۳، ۴ و ۵ فهرست مربوط به نتایج تحلیل محتوای مصاحبه آورده شده است.

کدهای استخراج شده براساس تحلیل تماتیک از مصاحبه‌های انجام شده در مدیریت بعد از بحران سیل: (در ابعاد پی‌جویی نهایی، بازیابی، اقدامات پس از رویداد)

جدول ۳. بازبینی مربوط به تحلیل تماتیک ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد از وقوع مخاطرات طبیعی ناشی از سیل در بعد پی‌جویی نهایی

فرآوانی	کد مصاحبه‌شونده	شاخص	مؤلفه	بعد
۸	.E1.E2. E6 .E7.E10 E11.E14.E 15	انتظام‌بخشی در توزیع امکانات، رفع مایحتاج کارکنان فراجا (مصدوم و آسیب‌دیده)، جانمایی کانتینر برای نگهداری اشیاء قیمتی و...، برقراری پایگاه آگاهی برای مبارزه جدی با سرقت، رسیدگی به پرونده‌های سرقت واصله از سایر یگان‌های عمل‌کننده	پی‌جویی در مأموریت	پی‌جویی نهایی
۹	.E2.E3. E5 E7.E10.E1 1 E12 . E13.E14	ادامه فعالیت شناسایی اجساد مجهول‌الهویه (DVI)، استقرار اکیپ‌های امدادی بهداری فراجا با آمبولانس در روستاهای آسیب‌دیده، احراز هویت مصدومان، کودکان، کهنسالان، مجانین و...، رسیدگی به پرونده‌های فقدان و اطلاع‌رسانی به خانواده مفقودان، به‌کارگیری سگ‌های جسدیاب (سپکا) برای کشف بقایای اجساد جان‌باختگان	تعیین تکلیف اشخاص و اجساد	
۷	.E1.E2. E7 .E8.E10 E11.E14	بررسی میدانی و خنثی‌سازی شایعات مطرح‌شده در محل حادثه، کنترل ورود خروج افراد بیگانه، کنترل ورود و خروج امدادگران داخلی و خارجی تا عادی شدن کامل اوضاع	نظارت‌های امنیتی	

نتایج پژوهش در بُعد «پی‌جویی نهایی» حاکی از آن است که محقق پس از بررسی و جمع‌آوری داده‌ها به سه مؤلفه شامل «پی‌جویی در مأموریت، تعیین و تکلیف اشخاص و اجساد، نظارت‌های امنیتی» و سیزده شاخص چگونگی اقدام در بعد از وقوع مخاطرات طبیعی سیل رسیده است. هدف نهایی اقدام‌های همه‌سازمان‌های متولی در بعد از وقوع مخاطرات ناشی از سیل بازگشت سریع به حالت عادی در همه‌زمینه‌های خدمت‌رسانی است، که این امر در سایه ایجاد نظم و امنیت فراهم خواهد شد. مدیران انتظامی پلیس با پی‌جویی در مأموریت و از طریق نظارت‌های امنیتی زمینه‌های فعالیت دیگر سازمان‌ها در جهت عادی‌شدن وضعیت را فراهم می‌نمایند. در این‌گونه موارد، تعیین تکلیف

اشخاص و اجساد روند عادی‌شدن را سرعت بخشیده که توجه به این مهم می‌تواند اعتماد عمومی را فراهم نموده و تعامل بیشتر مردم با امدادگران و ... را ایجاد نماید.

جدول ۴. بازبینی مربوط به تحلیل تماتیک ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد از وقوع مخاطرات طبیعی ناشی از سیل در بعد بازیابی

بعد	مؤلفه	شاخص	کد مصاحبه‌شونده	فراوانی
بازیابی	مأموریت‌های برنامه‌دار	فعال نمودن واحدهای گشتی خودرویی، موتوروی و پیاده برای حفاظت از جان و مال مردم، استقرار ایستگاه‌های موقت در محل اردوگاه‌ها و کمپ، فراهم نمودن زمینه‌های رسیدگی به شکایات مردم در زمینه‌های مختلف، رسیدگی به امور جاری و درخواست‌های مردمی، امداد رسانی به سالخوردگان و افراد ناتوان جسمی، خدمت‌رسانی به خانواده‌ها و کودکان بی‌سرپرست.	E2.E3.E4.E8.E9.E10.E13.E14	۸
	برطرف نمودن موارد زمینه‌ای	برآورد خسارت به اماکن فرابجا، بازسازی اماکن و تأسیسات پلیسی، بازسازی منازل کارکنان، آماده به کار نمودن تجهیزات آمادی و فاوایی، برقراری شرایط عادی، رفع نقاط ضعف و نارسایی‌های، هماهنگی در اقدامات و وظایف	E1.E3.E5.E6.E7.E9.E11.E12.E14.E15	۱۰
	احیای کارکنان	ارائه کمک در ترمیم ضایعات و خسارات فیزیکی، روحی و روانی نیروهای آسیب‌دیده، ایجاد آمادگی نیروهای خودی برای انجام‌وظیفه در منطقه آسیب‌دیده، دلجویی از بستگان و کارکنان فرابجا، انتقال اجساد کارکنان فرابجا و بستگان آن‌ها به محل‌های مورد درخواست	E1.E3.E5.E6.E8.E9.E11.E12.E15	۹

نتایج پژوهش در بُعد «بازیابی» حاکی از آن است که محقق پس از بررسی و جمع‌آوری داده‌ها به سه مؤلفه شامل «برطرف نمودن موارد زمینه‌ای، مأموریت‌های برنامه‌دار، احیای کارکنان» و نوزده شاخص چگونگی اقدام در بعد از وقوع مخاطرات طبیعی سیل رسیده است. براساس شاخص‌های احصاء شده و به‌منظور ارائه خدمات پلیسی، مدیران انتظامی موارد زمینه‌ساز در بحث امنیت را با بازسازی اماکن، تأسیسات و تجهیزات پلیسی با

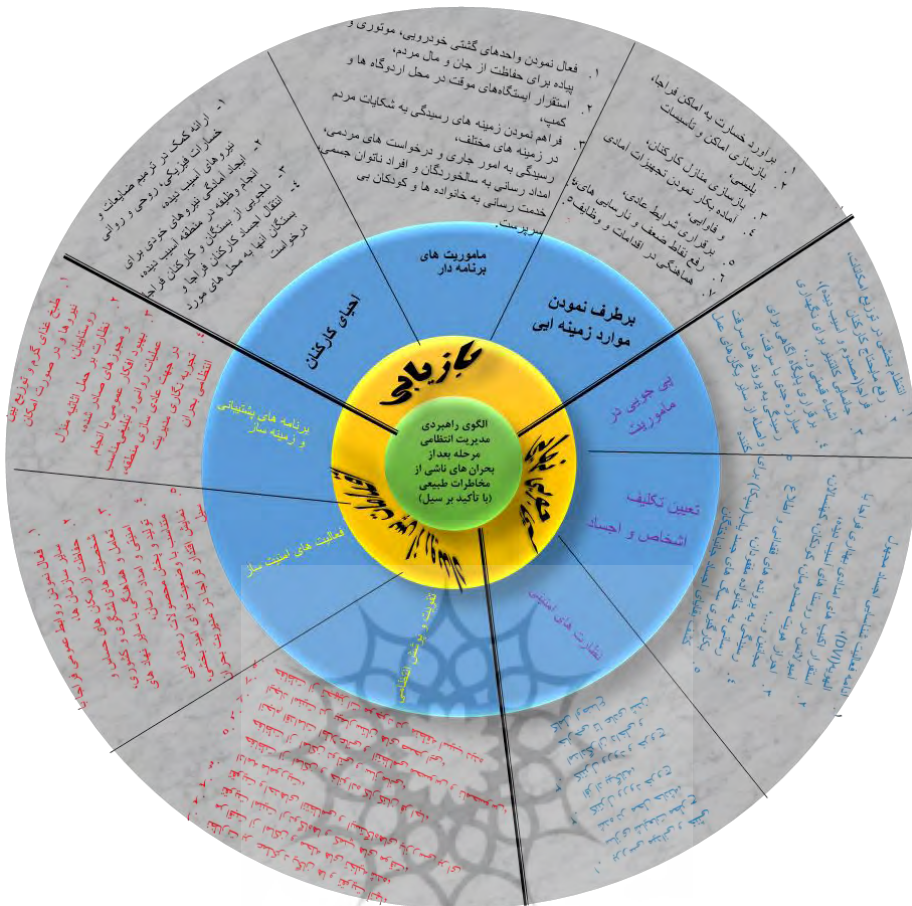
برطرف کردن نقاط ضعف و نارسایی‌ها در خدمت‌رسانی آغاز کنند. براساس انتظار و خواسته مردم منطقه حادثه‌دیده، سایر مأموریت‌های پلیسی بایستی در اسرع وقت به حالت عادی برگردد و با رویکرد مضاعف در خدمت‌رسانی با تمام امکانات موجود با برنامه‌ریزی منسجم ادامه پیدا نماید. از طرفی توجه به وضعیت روحی و روانی کارکنان آسیب‌دیده و رتق و فتق امور آنان به جهت افزایش انگیزه در سایر پرسنل حاضر در محل به صورت دقیق به مرحله اجرا گذاشته شود هرگونه کوتاهی در روند رسیدگی به این کارکنان موجب بی‌انگیزه شدن سایر نیروها شده و روند خدمت‌رسانی و برقراری وضعیت عادی را با مشکل مواجه خواهد نمود.

جدول ۵. بازبینی مربوط به تحلیل تماتیک ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد از وقوع مخاطرات طبیعی ناشی از سیل در بعد اقدامات پس از رویداد

فراوانی	کد مصاحبه‌شونده	شاخص	مؤلفه	بعد
۹	E1.E2.E4 E5.E6. E7 E8.E9.E15.	نظارت بر عملکرد یگان‌ها و تقویت آن‌ها، مراقبت از اماکن و محله‌های تخلیه‌شده، تقویت امنیت اردوگاه‌ها و کمپ‌های موقت، تقویت واحدهای انتظامی و ایستگاه‌های بازرسی برای ادامه مأموریت، حفاظت از اماکن و خانواده کارکنان فراجا، حفاظت از اماکن دولتی و سازمانی، انجام اقدامات اطلاعاتی و انتظامی محسوس و نامحسوس، ایجاد امنیت در بیمارستان‌های صحرایی، حفاظت از تجهیزات موجود در منطقه آسیب‌دیده	تقویت و پوشش انتظامی	اقدامات پس از رویداد
۸	E1.E3.E6 E7.E8.E9 E10.E13	فعال‌نمودن روابط عمومی فراجا با سایر سازمان‌ها، حفاظت از مکان‌های حساس و شخصیت‌های لشکری و کشوری، تعامل و هماهنگی با سایر نهادهای امنیتی و امدادرسان، تولید و پخش محصولات رسانه‌ایی متناسب با وضعیت برای امیدبخشی، نمایش اقتدار فراجا در مدیریت بحران سیل	فعالیت‌های امنیت‌ساز	
۱۰	E1.E2.E3 E4.E5.E6 E7.E8.E9 E14.	طبخ غذای گرم و توزیع بین نیروها و در صورت امکان روستاییان، نظارت بر حمل اثاثیه منزل و مجوزهای صادرشده، بهبود افکار عمومی با انجام عملیات روانی و	برنامه‌های پشتیبانی و زمینه‌ساز	

فراوانی	کد مصاحبه‌شونده	شاخص	مؤلفه	بعد
		تبلیغی مناسب در جهت عادی‌سازی منطقه، تجربه‌نگاری مدیریت انتظامی بحران		

نتایج پژوهش در بُعد «اقدامات پس از رویداد» حاکی از آن است که محقق پس از بررسی و جمع‌آوری داده‌ها به سه مؤلفه شامل «تقویت و پوشش انتظامی، فعالیت‌های امنیت‌ساز، برنامه‌های پشتیبانی و زمینه‌ساز» و هفده شاخص چگونگی اقدام در بعد از وقوع مخاطرات طبیعی سیل رسیده است. همان‌طور که قبلاً نیز اعلام گردید، تمامی تلاش‌ها در این مرحله بر عادی‌سازی اوضاع متمرکز است؛ لذا مدیران انتظامی در بعد از وقوع مخاطرات طبیعی نیز باید بر این مهم تأکید نمایند، در همین زمینه تلاش‌ها می‌بایست بر تقویت و پوشش انتظامی مناطق حادثه‌دیده و فعالیت‌های امنیت‌ساز معطوف گردد تا با اجرای برنامه‌های پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده افکار عمومی را بهبود بخشیده و زمینه‌سازی برای عادی‌شدن سریع اوضاع را فراهم نمایند. درنهایت، الگوی راهبردی مدیریت انتظامی در مرحله بعد از بحران‌های ناشی از مخاطرات طبیعی (با تأکید بر سیل) برابر شکل (۲) ترسیم می‌گردد.



شکل ۲. الگوی راهبردی مدیریت انتظامی در مرحله بعد از بحران‌های ناشی از مخاطرات طبیعی (با تأکید بر سیل)

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای پیشرفته امروز، بشر هنوز هم در برابر بلایای طبیعی ناتوان است. یکی از این دلایل که انسان نتوانسته است در برابر بلایای طبیعی مقابله خوبی از خود نشان دهد، نداشتن الگوی مناسب برای مراحل مختلف مدیریت بحران‌های طبیعی از جمله بعد از وقوع این بحران‌ها است. هدف این پژوهش شناسایی ابعاد، مؤلفه و شاخص‌های مدیریت انتظامی بعد از وقوع بحران سیل بود. با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان و خبرگان این حوزه و مطالعات کتابخانه‌ای ابعاد، مؤلفه‌ها

و شاخص‌ها مورد شناسایی قرار گرفت و در نهایت، الگوی مورد نظر با بررسی جامع و عمیق طراحی شد. با پیاده‌سازی الگوی ذکر شده می‌توان شاهد تحولی شگرف در مدیریت انتظامی بلایای طبیعی سیل بود که همواره بشر را با مخاطره روبه‌رو کرده است. امنیت در بعد عینی و ذهنی آن عرصه عملیات‌های روانی قرار خواهد گرفت و حتی اگر امنیت انتظامی به‌طور کامل و جامع محقق گردد، پدیده‌های غیرامنیتی که از متن بحران‌های طبیعی ولو به شکلی ناخواسته ظهور می‌یابند با تلاش معاندان و حریفان ممکن است اوصافی امنیتی پیدا کنند؛ بنابراین، امنیت در مواقع بحران فقط مربوط به برداشت‌های متداول و مرسوم در شرایط عادی نخواهد بود. پلیس و ارگان‌های نظامی و انتظامی برای امنیت در شرایط بحران بایستی تعاریف جدیدی ارائه دهند و بر پایه تعریف خاص امنیت در شرایط بحران، راهبردهای کنترل خود را در پیوند با نظام خدمات‌رسانی و کمبود دسترسی به منابع ضروری تدوین کنند که خود مقدمات تخطئه امنیت را باز تولید و کارگردانان تأمین امنیت را به موضع انفعال می‌برد. استفاده از این الگو می‌تواند راهگشای پلیس در جهت سرعت‌بخشیدن به عادی‌شدن اوضاع در بعد از وقوع بحران باشد. در ادامه برای تعیین اعتبار بخش یافته‌های پژوهش، علاوه بر ارائه متغیرهای شناسایی شده به استادان و خبرگان این حوزه و نظرخواهی از آن‌ها، یافته‌های پژوهش‌های پیشین نیز مقایسه شد که در جدول (۶) مشخص شده است.

جدول ۶. اعتبارسنجی پژوهش

ردیف	یافته‌ها	پژوهش‌های پیشین
۱	پی‌جویی نهایی	(کرائوس، ۲۰۰۶).
۲	بازیابی	(پیرسون و میتروف، ۱۹۹۳). (فریدریک کانی، ۱۹۹۸). (ریچاردسون، ۱۹۹۴).
۳	اقدامات پس از رویداد	(کرائوس، ۲۰۰۶).

پیشنهادها

بر اساس یافته‌ها و بر مبنای معیارهای بررسی شده، پیشنهادهای زیر در مدیریت انتظامی بلایای طبیعی بعد از وقوع می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

- الگوی نهایی و جامع مدیریت انتظامی بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی با ادغام مراحل قبل، حین و بعد از بحران سیل از طریق مراجع ذی صلاح علمی و با کمک خبرگان انتظامی طراحی شود و استقرار یابد.

- زمینه عملیاتی و اجرایی شدن الگوی طراحی شده مدیریت انتظامی بحران‌های ناشی از مخاطرات طبیعی (بعد از وقوع بحران سیل) در تمامی استان‌های سیل‌خیز کشور فراهم گردد.

- مسئولان و مدیران ارشد و میانی پلیس در زمینه الگوی طراحی شده توجیه شوند.

- نسبت به توانمندسازی مدیران انتظامی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در خصوص نحوه اقدام بعد از وقوع بحران سیل هماهنگ با الگوی ارائه شده اقدام گردد.

- متولیان امر مدیریت انتظامی بحران ناشی از مخاطرات طبیعی مشخص شده و حوزه عملکرد و نحوه تعامل درون‌بخشی و برون‌سازمانی آنان با سایر بخش‌های مسئول تعیین و شرح وظایف آنان برابر با الگوی ارائه شده تعیین و ابلاغ شود.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم تا از همه استادان محترم دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، دافوس، فرماندهی دافوس، فرماندهان و معاونین ستاد فراجا و کلیه همکاران محترم در سراسر کشور که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، تقدیر و تشکر نماییم.

منابع

- ابهری، مریم. (۱۳۹۱). مدیریت بحران نظامی. انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
احمدی، عبدالمجید؛ و منوچهری، سوران. (۱۳۹۹). سنجش وضعیت و تحلیل عوامل موثر بر مطلوبیت مدیریت بحران مخاطرات طبیعی در شهرستان قائنات. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی قضایی (جغرافیا)، ۱۰(۲)، ۵۶-۲۳.

<https://sid.ir/paper/524222/fa>

آمار حوادث وزارت کشور. (۱۳۹۹). آمار حوادث ثبت شده در شش ماهه اول سال نود و نه توسط ادارات کل مدیریت بحران سراسر کشور در سامانه سما. مرکز مدیریت اطلاعات و حوادث.

بیات، ناصر؛ عادل، علیرضا؛ و اصانلو، علی. (۱۴۰۰). شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله. فصلنامه پژوهش های مدیریت انتظامی، ۱۶(۱)، ۲۹ - ۵۰.

Doi:20,1001,1,17359570,1400,16,1,2,5

حسینی، حسین؛ و وجدی، سید مجید. (۱۳۸۶). مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی (۱). معاونت تربیت و آموزش ناجا.

خامنه‌ای، حضرت آیت‌الله سید علی. (۱۳۹۸). دستور مهم رهبر انقلاب به رئیس ستاد کل نیروهای مسلح برای کمک به سیل‌زدگان. خبر آنلاین (خبرگزاری تحلیلی ایران).

<https://farsi.khabaronline.ir/news/1243464>.

دارابی، رضا. (۱۳۹۰). راهبردهای لجستیک بحران. فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، ۶(۲۱)، ۳۴-۷.

دلاور، علی. (۱۳۸۶). الگوی راهبردی پیشرفت اسلامی - ایرانی. معاونت پژوهش و تولید علم. دانشگاه عالی دفاع ملی.

روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر؛ و قلی‌پور، آریین. (۱۳۸۷). تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت. فصلنامه علمی پژوهشی دانش انتظامی،

۱۰(۲)، ۸۴-۶۰. <https://sid.ir/paper/708040/fa>

سوادکوهی‌فر، سعید؛ و ذکائی‌فاتح، جواد. (۱۳۹۲). ملاحظات پدافند غیرعامل و مدیریت بحران در خدمات اورژانس پزشکی صحرائی در شرایط بحران. همایش سراسری پدافند غیرعامل در علوم و مهندسی.

سیفی، مریم؛ و کاظمیان، سمیه. (۱۴۰۰). واکاوی پدیدارشناسانه نقش پلیس زن در مدیریت بحران طبیعی مبتنی بر تجارب زیسته کارکنان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

پژوهش‌نامه نظم و امنیت، ۱۴(۳)، ۵۴. <https://sid.ir/paper/2298384/fa>

علمداری، شهرام؛ و مشهدی، حسن. (۱۳۹۷). روش ارزیابی آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها و مدیریت بحران. انتشارات بوستان حمید.

عزیز پور، ملکه؛ زنگی‌آبادی، علی؛ و اسماعیلیان، زهرا. (۱۳۹۰). اولویت‌بندی عوامل موثر در مدیریت بحران شهری در برابر بلایای طبیعی (مطالعه موردی سازمان‌های مرتبط با

بحران شهر اصفهان). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۲(۳)، ۱۲۴-۱۰۷.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085362.1390.22.3.7.2>

فرجی‌راد، خدر؛ محمدعلی؛ فتحی جلالی، آرش؛ و پریشان، مجید. (۱۴۰۰). هوشمندسازی مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (زلزله) در شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۶(۴)، ۱۹۵-۲۲۹.

doi:10.22034/pmsq.2022.209905.1454

قانون مدیریت بحران کشور. (۱۳۹۸). مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.

کمالی، یحیی. (۱۳۹۵). مطالعه آمادگی و واکنش پلیس در مدیریت بحران‌های طبیعی در ایران، ژاپن، هند و ترکیه. فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۱(۳)، ۳۷۰-۳۹۴.

<https://sid.ir/paper/1625206/fa>

گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی. (۱۳۹۱). طراحی راهبردی مدیریت بحران‌های طبیعی. دانشگاه عالی دفاع ملی (دعا).

گودرزی، غلامرضا؛ و جهانشیری، جواد. (۱۳۹۳). فرماندهی و مدیریت انتظامی از منظر آموزه‌های اسلامی. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۸(۲)، ۴۹۵-۵۲۱.

http://pmsq.jrl.police.ir/article_18249.html

مصطفی نژاد، مهدی. (۱۳۹۳). الگویی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران. دانشگاه علوم انتظامی امین.

نوری، رحمان. (۱۳۹۷). پلیس و مدیریت بحران. انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

Boudreaux, Brian. (2005). Exploring a multi-stage model of crisis management utilities. Hurricanes. And contingency. Florida: University of Florida.
http://etd.fcla.edu/UF/UFE0010486/boudreaux_b.pdf

Boin, R., Arjen. P. (2005). politics of Criss Management. Public Leadership under Pressure. England Cambridge University.

Crandall, W., Parnell. j. (2010). Crisis Management in the New Strategy Landscape. Thousand Oak California.

Dave, R., Sohan, L. (2015). Disaster management and emergency response a comparative study of managerial structures systems and processes in Gujarat India and California USA.
<http://hdl.handle.net/10603/48854>. [۳۱/۸/۲۰۱۵]

Meyers, G., Holusha, J. (1988). Managing Crisis. London. Unwin.
<https://doi.org/10.4324/9781351115988>

Chung, G. (2016). Conflicts and natural disaster management: a comparative study of flood control in the Republic of Korea and the United States. Disasters journal, 40(3), 72-554.
<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/26577979>

- Scopus, D. (2020). Flood modeling for urban flood risk management in the developing countries Scientific African. University of Nigeria. Enugu State Nigeria. <https://doi.org/10.1016/j.sciaf.2020.e00269>.
- Geary, W., Sikich, P. (2001). All hazard crisis management Planning. Logical
- Linda, H., & Helge, M. (2021). Police Practice and Research, (23)6, 1-17. doi:10.1080/1561144263.2021.1942872
- Nkwunonwo, U., Whitworth, M. (2020). A review of the current status of. <https://doi.org/10.1016/j.sciaf.2020.e00269>
- Christine, M., Mitroff, I. (1993). From crisis prone to crisis prepared: A Framework For crisis management. Academy of Management Executive, 7(1), 48-59. <https://www.jstor.org/stable/4165107>
- Richardson, B. (1994). Socio-technical disasters: Profile and Prevalence. Disaster Prevention & Management, 3(4), 41-69
- Smith, D. (1990). Beyond Contingency Planning: Towards a model of crisis Management. Industrial crisis quarterly, 4(4), 263-275. <https://www.jstor.org/stable/26162888>
- Tokakis, V., Polychroniou, P., & Boustras, G. (2019). Crisis Management in Public administration: the three Phases model for safety incidents Safety Science, 28(113), 37-43. <https://www.researchgate.net/publication/329950348>
- Wangwei, T., Belardo, S. (2005). Strategic Integration: A Knowledge Management Approach to crisis Management. Proceedings of the 38th Hawaii International Conference on System Sciences.
- Yongtae, C., Moonkwi, K. (2015). Journal of the Society of Disaster Information, 11(4), 556- 569. <https://www.researchgate.net/publication/294727456>